

دولت می تواند بحث طرح مقابله بانفوذ رادر شعام مطرح کند

یک فعال سیاسی اصولگرا در ارزیابی از طرح جنجالی مجلس موسوم به طرح نفوذ اظهار داشت: واقعیت این است که مادر یک سال گذشته وبادو جنگ تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه، متوجه شدیم که حفره‌های امنیتی و اطلاعاتی بزرگی در کشور وجود دارد. این حفره‌های امنیتی باعث شد که رهبر انقلاب، بسیاری از فرماندهان، دانشمندان و چهره های زیادی از کشور به‌سادگی به شهادت برسند و این نشان دهنده آن بود که ما حفره‌های امنیتی بسیار بزرگی داریم. خبرنگارانین نوشت: ناصر ایمانی گفت: کشوری که در حال جنگ است و همچنین کشوری مانند ما که موقعیت بسیار ویژه‌ای دارد و مورد تهدید است، باید این حفره‌های امنیتی را به میزان زیادی پوشش دهد تا دیگر شاهد این تروهرای ناجوانمردانه و دسترسی دشمن به مراکز حساس نباشد. ما هم شخصیت‌هایمان را از دست دادیم و هم مراکز مهم مان از جهت زیرساخت‌های نظامی مورد شناسایی و حمله دشمن قرار گرفتند. این موضوع برای کشور بسیار مهم است؛ به‌ویژه اینکه در زمان جنگ هستیم و حتی اگر در زمان جنگ هم نبودیم، این موضوع می‌بایست مورد رسیدگی جدی قرار بگیرد. وی افزود: برای رسیدگی به این موضوع و بر کردن حفره‌های امنیتی، دوا رهکار کلی وجود دارد. نخست اینکه مراکز اطلاعاتی کشور را تقویت کنیم تا مورد نفوذ قرار نگیرند؛ از طریق تقویت سیستم‌های الکترونیکی، ماهواره‌ای و حفاظتی و از طریق مختلفی که وجود دارد، سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی کشور را تقویت کنیم. این چهره سیاسی بیان کرد: راهکار کلی دوم این است که در سطح جامعه سیستم‌های کنترل ایجاد کنیم؛ در دانشگاه‌ها، مراکز اطلاع‌رسانی، خبرگزاری‌ها، ادارات و… سیستم‌های کنترلی متعددی ایجاد کنیم تا بتوانیم جلوی نفوذ و فعالیت کسانی را که نفوذ می‌کنند، بگیریم. وی ادامه داد: راهکار دوم مشکلات اجتماعی و سیاسی برای ارتباط میان حاکمیت و مردم به وجود می‌آورد؛ یعنی مردم در چار مقداری نتکنا می‌شوند و احساس می‌کنند مرتب مورد کنترل قرار گرفته‌اند. بنابراین، راه حلی که در طرح نمایندگان محترم مجلس و مصوبه‌شان بیشتر مورد توجه قرار گرفته، مبتنی بر همین راهکار دوم است.

مردم و حاکمیت

ایمانی بیان کرد: اگر بخواهیم از این راهکار استفاده کنیم، باید بدیزیریم که در شرایط جنگی که قرار داریم، ارتباط میان مردم و حاکمیت تا حدودی دچار اختال می‌شود و مردم تحت فشار قرار می‌گیرند، به خاطر اینکه مرتب سیستم‌های کنترلی را در هر قدمی در کنار خودشان احساس می‌کنند و در نتیجه، مقداری فاصله هم میان مردم و حاکمیت به وجود می‌آید. اکنون با توجه به پیشرفت تکنولوژی در جهان، نقش جاسوس‌ها یا نفوذ‌های انسانی متغنی نشده، اما کم‌رنگ تر شده است. عمده وزن جاسوسی‌ها و حفره‌های امنیتی به سمت مسائل الکترونیکی رفته است. وی اذعان کرد: از همین رو، این قانون مجلس محترم نمی‌تواند این حفره‌ها را به‌طور کامل پوشش دهد و مانع نفوذ‌های الکترونیکی و ماهواره‌ای شود؛ چرا که این موضوع نیازمند مدیریت و تقویت سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی کشور است. در واقع، این مصوبه مجلس محترم، علاوه بر اینکه برای پوشش حفره‌های امنیتی و اطلاعاتی کشور در برابر نفوذ‌های الکترونیکی کفایت نمی‌کند، از این جهت نیز دچار نقصان است. این قانون یک مقدار سیستم‌های کنترلی و امنیتی را در کشور افزایش می‌دهد که به‌طور طبیعی باعث نوعی ناراضی‌ت در جامعه خواهد شد. ایمانی در خصوص نگاه امنیتی به رسانه اظهار کرد: بحث رسانه نیست، حتی ارتباط دانشگاه‌های مابا خارج از کشور، همه این‌ها به خاطر سیستم‌های کنترلی دچار یک نوعی توقف می‌شود یا با سختی صورت می‌گیرد. شما چون رسانه هستید روی این موضوع حساس هستید. من عرض کردم که همه جامعه را به تناسب روال عادی کاری که داشتند انجام می‌دادند، دچار مشکلاتی خواهد کرد. این طرح هم رسانه و هم غیررسانه را دچار یک نوعی نقصان در کار می‌کند. نگاه امنیتی و اطلاعاتی را در جامعه افزایش می‌دهد. در میان خبرنگاران، رسانه‌ها، دانشگاهیان، اساتید و ادارات، نگاه بدبینانه قرار می‌گیرد و مشکلاتی را ایجاد خواهد شد. وی در خصوص اجرایی شدن این طرح عنوان کرد: این ارتباطی به مخالفت دولت‌ها ندارد. طی ۴۵ سال گذشته، ممکن است که دولت‌ها با خیلی از قوانین مجلس مخالف باشند اما موظف هستند که آن اجرا بکنند. ابتدا باید بدیزیریم که مجلس قانون‌گذار است و اگر دولتی یا کارشناسی بخواهد قانون مجلس را اجرا کند که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. اما راه حل اینکه یک قانون مجلس در واقع جلوی اجرای آن گرفته بشود چیست؟ راه حل جلوگیری قانون این است که به‌طور مثال، دولت موضوع را در حد مثلاً امنیت عالی امنیت ملی مطرح کند و در آنجا بررسی کنند. اگر می‌بینند الان با توجه به شرایط کشور، اجرای این قانون فعلا درست نیست، می‌توانند آن را در واقع تصویب نکنند، رهبری هم تأیید کند که موقتاً اجرای این قانون به تأخیری بیند. راه حل هایش راحت است و باید قانونی باشد، اینکه دولت مخالف است که دلیلی برای اجرا نمی‌شود.

آرمان ملی - حمید شجاعی؛ هفته دولت معمولاً زمانی است که دولتمردان از رئیس جمهور به عنوان رئیس دولت گرفته تا سایر وزرا و مدیران به گزارش عملکرد مجموعه تابعه خود می‌پردازند و از وعده‌های جدی در جهت حل مشکلات در حوزه‌های مختلف می‌گویند. اکنون از زوایه دیگری می‌توان عملکرد دولت را ارزیابی کرد. اینکه ببینیم دولت با چه وعده‌هایی روی کار آمده، چه میزان در جهت تحقق وعده‌ها موفق بوده و در صورت عدم تحقق این وعده‌ها چه موانع و مشکلاتی پیش روی دولت قرار داشته و اتفاقات غیر منتظره و اجتناب‌ناپذیر چه تأثیری بر عملکرد دولت داشته است. اگر مجموع این مسائل و عوامل را در نظر بگیریم و از طرفی محدودیت‌های دولت، شرایط حاکم، برخی اقدامات و تصمیمات مخالف دولت و بعضاً برخی عملکردهایی که نشان از لزوم ترمیم و تقویت دولت در بخش‌هایی که را می‌دهد، می‌توان گفت که دولت تا چه میزان توانسته موفقیت حاصل کند و تا چه میزان در رسیدن به توفیق در تحقق وعده‌ها و رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده ناموفق بوده است. واقعیت این است که دولت پزشکبان در شرایط عادی روی کار نیامد و پس از اتفاقات رخ داده برای رئیس جمهور پیشین، برگزاری انتخابات زودهنگام و تلاش‌ها برای مقابله با پزشکبان که پس از دو سال هنوز هم ادامه دارد دولت چهاردهم کار خود را آغاز کرد؛ اما در همان آغازین روزها بحران‌هایی پس از دیگری آغاز شد و رئیس جمهور از بحران در دل بحران‌ها به برنامه‌ریزی و حل مشکلات پرداخت. بحران‌هایی که ادامه دارد و گویی پایانی بر آن قابل تصور نبوده و معلوم نیست چه زمانی دولت پزشکبان می‌تواند در آرایش امور کشور را به پیش ببرد. لذا با وجود تمامی مشکلات حاضر در جامعه، شرایط بفرنج اقتصادی و انتقاداتی که برخی به عملکرد دولت دارند بعضاً برخی افراد این دولت را با دولت‌های پیشین مقایسه می‌کنند. باید اذعان داشت که شرایط این دولت با دولت‌های پیشین قابل مقایسه نیست و به‌گواه قاطبه افراد، اگر هر کدام از اتفاقاتی که برای این دولت رخ داد در سایر دولت‌ها می‌افتاد شاید روند به‌گونه دیگری پیش می‌رفت. اما دولت پزشکبان باتمام مشکلات

و موانع ایستاده و در جهت پیشبرد امور کشور و حل مشکلات جامعه تلاش می‌کند.

اشارت نا تحقق وعده

دولت پزشکبان را می‌توان کم‌وعده‌ترین دولت پس از انقلاب نامید چرا که رئیس جمهور با وعده‌های عجیب و دهان پرکن به میدان نیامد و تفاوت در جایی رقم خورد که پزشکبان با وعده‌هایی به میدان آمد که از نظر مردم قابل دستیابی بود. واقعیت امر بر آن است که رئیس جمهور با شعارها و وعده‌هایی چون وفاق ملی، تلاش جهت تحقق «حق» و «عدالت»، اجرای برنامه هفتم، ارتباط سازنده و تعامل با دنیا، رشد اقتصادی، رفع فیلترینگ، آزادسازی اینترنت، مخالفت با برخورد‌های قهری در مسائل اجتماعی، کنترل تورم، حل مساله FATF و در یک کلام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی قدم در راه گذاشت و متعاقب آن تلاش کرد که در ادره کشور تغییراتی را صورت دهد تا رسیدن به اهداف تعیین شده امکان بیشتری داشته باشد. تفاوت نگاه رئیس جمهور باسلاف خود این است که همواره به استفاده از کارشناسان تأکید و اذعان داشته که وعده غیر کارشناسی نمی‌دهد. شاید بر مبنای همین امر بود که کمتر پروژه‌ای بدون وجه کارشناسی در نظر این دولت کلید خورد. با این حال به نظر می‌رسد دولت آن اندازه که در سایر حوزه‌ها مثل مسائل اجتماعی به موفقیت‌های نسبی رسید، با وجود تلاش بسیار، در حوزه

«آرمان ملی» از مواجهه ایران با پیمان مکه گزارش می‌دهد

آغاز پایان حضور امنیتی آمریکا در منطقه

آرمان ملی - مرتضی خبازیان؛ از زمانی که سه کشور عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان پیمان امنیتی منعقد کردند که به پیمان مکه شناخته می‌شود، گمانه‌زنی‌ها درباره چرایی شکل‌گیری چنین پیمانی آغاز شد. برخی از تحلیلگران معتقد بودند که به دلیل گسترش دامنه جنگ ایران و آمریکا، ایران در مرکز شکل‌گیری این پیمان قرار داشته است. به عبارت دیگر زمانی که عربستان متوجه شد که انتظار او از آمریکا برای حمایت همه‌جانبه در تنش‌های امنیتی منطقه برآورده نمی‌شود و آمریکا در برابر ضربات وارد شده به عربستان جدیتی نشان نداد، به فکر آزمون راه دیگر افتاد. از نگاه این دست تحلیلگران، عربستان برای کاهش احتمال ضربات دیگر از سوی ایران، به پاکستان و ترکیه نزدیک شده است. این در حالی است که در بین روابط ترکیه و عربستان ماجراهایی وجود دارد که این ارتباط را مخدوش می‌کرده است. یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که به سختی کنار گذاشته شد، ماجرای ترور سیمگین جمال خاشقچی در ترکیه توسط دستگاه امنیتی عربستان بود. گروه دیگری البته معتقدند که نزدیک شدن عربستان به پاکستان و ترکیه، در حالی که نزدیکی و همکاری نظامی بین عربستان و پاکستان از قبل شکل گرفته بود، بیشتر برای تحت فشار قرار دادن رژیم صهیونیستی است. بعد از تسلط جولانی بر سوریه و تغییر در ساختار سیاسی این کشور، ترکیه نفوذ خود را در سوریه افزایش داد. اسرائیل هم از همان روزهای ابتدایی تحولات سیاسی در سوریه دست به یک رشته عملیات نظامی در مناطق جنوبی زد تا زیرساخت‌های نظامی سوریه را از بین ببرد. از نظر اسرائیل این کار ضرورت داشت و تا قبل از تسلط جولانی بر سوریه می‌بایست این کار انجام می‌شد. حملات اسرائیل به سوریه تا جایی پیش رفت که به بمباران پایگاه الوظهور منجر شد. پایگاهی که گفته می‌شد ترکیه برای استقرار و آموزش نیروهای سوری در آن مستقر خواهد شد. این حمله تنش فلفظی بین ترکیه و اسرائیل را بالا برد. وزیر دفاع اسرائیل گفت چند بار پیشنهاد حمله به فرودگاه نظامی ابوظهور را مطرح کرده بود، زیرا اطلاعات دریافتی نشان می‌داد ترکیه قصد دارد اقداماتی در این پایگاه انجام دهد که امنیت اسرائیل را تهدید می‌کند. یسرائیل کاتر ادامه داد: پس از چند نشست با نتانیاوو و مقام‌های امنیتی، تصمیم گرفته شد پیش از حمله، هشدار مستقیم به مقام‌های سوریه داده شود و اطلاعات مربوط به آمریکایی‌ها نیز داده شد. در سوی

«آرمان ملی» علل و موانع عدم تحقق وعده‌های دولت را بررسی می‌کند

جنگ، تحریم و مانع تراشی



اقتصادی چندان موفقیتی به دست نیاورد که البته موانع و دلایل مختلفی در بین بوده است. پزشکبان تلاش کرد وعده‌هایی چون جلوگیری از برخورد‌های قهری در مسائل اجتماعی را محقق کند و برای رفع یاکاهش چشمگیر محدودیت‌های اینترنتی گام بردارد. به دلیل وجود برخی مقاومت‌ها و سرسختی‌ها در تقابل با دولت برخی معتقدند که دولت در این زمینه‌ها باید از دنبال کردن وفاق صرف نظر کرده و برنامه‌های خود را پیش ببرد. بدون تردید افکار عمومی از دولت حمایت خواهد کرد. در سیاست خارجی هم دولت مسیر تعامل و مذاکره را در پیش گرفت و اگر نبود کارشکنی طرف آمریکایی امروز نه جنگی رخ می‌داد و نه تحریم‌ها اقتصاد کشور را تحت فشار قرار می‌داد. روشن است که مشکلات اقتصادی، معیشت جامعه و برخی ناترازی‌ها دولت را در شرایط سختی قرار داده و انتقادات بسیاری از سوی جامعه به سمت دولت سرازیر شد. در این بین برخی اتفاقات دی ماه ۱۴۰۴ را ادامه اعتراضاتی می‌دانند که از اقتصاد آغاز شد و اگر نبود جراحی اقتصادی و تغییراتی که دولت دنبال می‌کرد، شاید آن اتفاقات حادث نمی‌شد. ناترازی‌ها چه در سال گذشته و چه امسال در مساله قطعی برق و آب خود را نشان داد. بسیاری معتقدند خود را برای حل مشکلات کشور به‌کار برده و با تکیه بر وفاق ملی امیدوار به بهبود شرایط و حل مشکلات جامعه هستند.

آرمان ملی» از مواجهه ایران با پیمان مکه گزارش می‌دهد

دیگر وزارت دفاع ملی ترکیه حمله رژیم صهیونیستی به پایگاه هوایی ابوظهور در سوریه را محکوم کرد و خواستار پایان دادن تل آویو به حملات بی‌ملاحظه و پایبندی به قوانین بین المللی شد. وزارت دفاع ترکیه تأکید کرد که هیچ هیأت نظامی ترکیه‌ای پیش از حمله با هتنگام حمله رژیم صهیونیستی به پایگاه ابوظهور، در این محل حضور نداشته است. در چنین فضایی وزیر خارجه دولت موقت سوریه گفت: انتظار می‌رود که مذاکرات با اسرائیل در خصوص توافق امنیتی به زودی از سر گرفته شود و تماس‌ها با این رژیم بعد از حمله به پایگاه هوایی ابوالظهور قطع شده است. اسعد الشیبانی تصریح کرد: سوریه به اسرائیل اعتماد ندارد و اولویت ما در حال حاضر توقف حملات این رژیم به خاک کشورمان است. **حساسیت ایران** به نظر می‌رسد نباید پیمان مکه را ائتلاف نظامی علیه ایران تلقی کرد، هرچند کاملاً ضروری است چنین ائتلافی از سوی ایران با دقت و حساسیت پیگیری شود. شاید بتوان از بررسی وضعیت منطقه به این ایده رسید که نزدیک شدن این سه کشور بیش از آنکه ناشی از توافق درباره دوستی و دشمنی باشد، محصول همگرایی منافع امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیک است. عربستان، ترکیه و پاکستان در بسیاری از مسائل منطقه‌ای مواضع یکسان ندارند. این سه کشور حتی درباره اسرائیل هم متفاد می‌اندیشند و تفاوت جدی بین آنها وجود دارد، اما می‌توان درک کرد که هر سه کشور به این نتیجه رسیده‌اند که امنیت خود را نباید در سازوکار فعلی و حمایت مطلق قدرت‌های درامنطقه‌ای دنبال کنند. سوال مهم برای ترکیه این است که اگر بین این کشور و رژیم صهیونیستی تنش بالا بگیرد، آمریکا به عنوان حامی این رژیم چه واکنش خواهد داشت؟ احتمالاً این یکی از زایوه‌های مهمی بوده که مسئولان ترکیه را به فکر استفاده از ظرفیت‌های امنیتی منطقه انداخته است. **ظرفیت‌های امنیتی** یعنی پیمان مکه را می‌توان حاصل نوعی تقسیم‌ظرفیت دانست. عربستان، دارای منابع مالی و جایگاه مهم در حوزه انرژی، ترکیه برخوردار از صنایع دفاعی و ظرفیت نظامی با پاکستان نیروی نظامی بزرگ و تجربه عملیاتی و توان هسته‌ای، اتصال این ظرفیت‌ها می‌تواند برای هر سه کشور مزیت ایجاد کند، حتی اگر در سایر موضوعات با یکدیگر اختلاف داشته باشند. قبلاً در گزارشی گفته شد که تهران

گزارش

پارادوکس تحریم‌های تازه ترامپ

تهران آماده تلافی جویی نظامی می‌شود؟

اعلام «روز دی» اقتصادی رئیس جمهور آمریکا علیه ایران در هفته گذشته، در ظاهر نشان دهنده‌ی استراتژی جدیدی فراتر از کمپین‌های تحریمی است که تاکنون تهران با آن مواجه و آموخته که چگونه در برابر آنها مقاومت کند. اکوایران نوشت: با این حال، اهمیت این تهدید ممکن است نه در عنوان دراماتیک آن و بیش‌تر در میزان تغییر شرایط پیرامونی باشد. به نوشته المانیتور، ترامپ وعده «خردکننده‌ترین عملیات اقتصادی که تاکنون علیه هر کشوری انجام شده» را داده و نسبت به «عواقب اقتصادی عظیم برای کشورها و مؤسسه‌های «خط نجات» اقتصادی» را برای ایران فراهم می‌کند، هشدار داد. اسکاوت بسنت، وزیر خزانه‌داری گفته که این اقدامات را تشریح خواهد کرد و هشدار داد کشورهایی که روابط اقتصادی خود را با تهران حفظ می‌کنند، ممکن است با عواقب شدیدی روبرو شوند. آیا واشنگتن قادر است فشار اقتصادی را به مزیت سیاسی تبدیل کند؟ در حالی که تحریم‌های واشنگتن در طول دهه‌ها به چنین هدفی نرسیده است.

آسیب‌دیده‌تر اما سازگارتر

یک دلیل مهم در مورد این‌که این دوری می‌تواند متفاوت از قبل باشد این است که اقتصاد ایران در شرایطی بسیار دشوارتر از زمانی که ترامپ اولین کمپین «فشار حداکثری» خود را در سال ۲۰۱۸ آغاز کرد، وارد این رویایی می‌شود. جنگ به زیرساخت‌های کشور آسیب رسانده، ارزش پول ملی رو به وخامت گذاشته و تورم، تهیه کالاهای اساسی را به طور فزاینده‌ای دشوارتر کرده است. محاصره آمریکا هم چنین منبع اصلی درآمد خارجی ایران، یعنی نفت، را به شدت مختل کرده است. این تأثیر در تجارت ایران با چین قابل مشاهده است. بیش از ۸۰ درصد از صادرات نفت ایران در سال ۲۰۲۵ به مقصد چین می‌رفت و پالایشگاه‌های مستقل چینی (با محل اصلی فروش نفت خام تحریم‌شده تهران تبدیل کرد. اکنون آمریکا در تلاش است تا خریداران را مجبور کند بین دسترسی به نفت تخفیف‌دار ایران و دسترسی به سیستم مالی امریکایی را انتخاب کنند. این دیگر یک بحث انتزاعی تحریم نیست. اثرات ترکیبی جنگ، محاصره، تورم و کاهش ارزش پول، مشکلات اقتصادی شدید را ایجاد می‌کند، به طوری که خانوارها به طور فزاینده‌ای برای تأمین مایحتاج اولیه خود تلاش می‌کنند. با این حال، قوی‌ترین استدلال علیه انتظار تسلیم این است که ایران دهه‌ها را صرف یادگیری چگونگی زندگی با دقیقاً همین نوع فشار کرده است. بنابراین، بعید است که مقامات ایرانی موفقیت «روز دی» اقتصادی را با آسیب دیدن اقتصاد بسنجند. مسئله آنها این است که آیا این فشار تهدیدهای خطرناک‌تری را ایجاد می‌کند یا نه و آیا تسلیم شدن در برابر واشنگتن خطر استراتژیک بزرگ‌تری ایجاد خواهد کرد یا خیر.

فشار و مقاومت

واکنش اولیه ایران نشان می‌دهد که تهران به جای تسلیم برای رویایی دیگری آماده می‌شود. سیدعباس عراقچی تحریم‌های آمریکا را به عنوان ترورسیسم اقتصادی محکوم کرد و کاظم غریب‌آبادی، معاون او در وزارت امور خارجه، واشنگتن را به تکرار اشتباهات محاسباتی متهم کرد. ابراهیم رضایی نماینده نزدیک به تندروها، خروج از NPT را بهترین پاسخ به تشدید تنش‌ها خواند. این واکنش‌ها مهم هستند زیرا فشار اقتصادی می‌تواند دو اثر سیاسی بسیار متفاوت ایجاد کند. این فشار می‌تواند تهران را متقاعد کند که سازش ضروری است. اما همچنین می‌تواند کسانی را که استدلال می‌کنند سازش با واشنگتن دقیقاً همان چیزی است که ایران را در ورطه اول آسیب‌پذیر کرده، تقویت کند. تجربه ایران تحت تحریم‌ها همچنین حوزه‌های خاصی را تقویت می‌کند. بازرگرانی که به شبکه‌های قاچاق، امور مالی غیررسمی و تجارت تحت کنترل دولت دسترسی دارند، می‌توانند با بسته شدن کانال‌های اقتصادی متعارف، اهمیت بیشتری پیدا کنند، بنابراین، تحریم‌ها می‌توانند همزمان اقتصاد را تضعیف و برخی از بازیگران سیاسی را که در برابر بازکردن آن مقاومت می‌کنند، تقویت کنند.

پارادوکس ترامپ

پارادوکسی که ترامپ با آن مواجه است، سراسر است: واشنگتن اکنون ممکن است قدرت بیشتری برای آسیب رساندن به اقتصاد ایران نسبت به هر زمان دیگری در دهه‌های گذشته داشته باشد، اما این بدان معنا نیست که به همان نسبت قدرت بیشتری برای تعیین گزینه‌های سیاسی تهران دارد. این کمپین می‌تواند در کاهش درآمد‌های نفتی، اتمام ذخایر و دشوارتر کردن بازسازی موفق شود. حتی می‌تواند ایران را به میز مذاکره بازرگاند. آزمون واقعی روز دی اقتصادی این خواهد بود که آیا فشار، محاسبه‌ای را در تهران ایجاد می‌کند که دهه‌ها تحریم هرگز ایجاد نکرده است؟ اینکه هزینه ادامه رویایی بیشتر از هزینه سیاسی و استراتژیک تعامل شده است، پاسخ ایران تاکنون نشان می‌دهد که از چنین محاسبه‌ای این نتیجه حاصل نشده است.

تلافی جویی تهران؟

بلومبرگ در این رابطه نوشته ترامپ شرط بسته که تحریم‌های جدید، محاصره دریایی و افزایش فشار اقتصادی علیه شرکای تجاری ایران می‌تواند کاری را انجام دهد که هزاران بمب و موشک نتوانستند؛ وادار کردن تهران به پذیرش توافقی برای پایان دادن به جنگ طبق شرایط آمریکا. اما مانند سایر تلاش‌های آمریکا برای وادار کردن ایران به تسلیم، یک مشکل اصلی وجود دارد: تهران که کنترل تنگه حیاتی هرمز را در دست داشته و گرهایی از پیادهای تهاجمی را روانه سراسر خلیج فارس کرده، ممکن است در برابر چنین فشاری نفوذناپذیر باشد و راه‌های زیادی برای تلافی این اقدام دارد. در واقع، به نوشته بلومبرگ، فشار اقتصادی جدید و قابل توجه احتمالاً ایران را به تلافی جویی از طریق حملات نظامی در سراسر خلیج فارس سوق خواهد داد- موضوعی که می‌تواند باعث افزایش قیمت نفت شده و هزینه تلاش‌های آمریکا را بالا ببرد و ترامپ را مجبور کند رویکرد خود را دیگر تغییر دهد.